

بازار ارز ایران عمق ندارد

● دکتر عباس شاکری
اقتصاددان و استاد دانشگاه

کشش باشد.

به گزارش بازار بین‌الملل این پژوهش که در مرکز مطالعات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران انجام شده است، با نگاهی به دیدگاه‌های مختلف درباره آزادسازی نرخ ارز به این مسئله اشاره می‌کند که اولاً ارتباط مثبتی بین تغییرات نرخ ارز با تغییرات تورم در ایران وجود دارد، دوم اینکه در شرایط کنونی مقتضیات صادرات غیرنفتی با افزایش نرخ ارز سازگار است، اما مازاد ارزی در حساب‌های بانک مرکزی و بانک‌ها مقتضی کاهش نرخ ارز است و در نهایت اینکه با روند فعلی اقتصاد نمی‌توان به ایجاد و شکل‌گیری یک نظام ارزی با ثبات در اقتصاد ایران امیدوار بود. این گزارش را با هدف آشنایی با آسیب‌شناسی نظام ارزی ایران تقدیم می‌کنیم و از انتقادات و نظرهای کارشناسان استقبال می‌کنیم.

نظام ارزی در چارچوب نظریه متعارف اقتصادی به سازوکار تعیین نرخ ارز از طریق نیروهای بازار در طرف عرضه و تقاضای آن اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، نظام ارزی اساساً با وجود بازار عمیق و رقابتی ارز مترادف است، یعنی کشوری دارای یک نظام ارزی است که عوامل بسیاری در طرف عرضه ارز با صادرات کالاها و خدمات متعدد و متنوع، ارز عرضه می‌کنند و تعداد آنها به اندازه‌ای است که تغییر رفتار یک یا چند عرضه‌کننده ارز وضعیت بازار را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. همچنین در طرف تقاضا، عوامل ذره‌ای زیاد، ارز تقاضا می‌کنند و این تقاضای ارز به خاطر کالاهای خارجی متنوع و با کشش تقاضای متفاوت است. بنابراین کشوری می‌تواند دارای یک نظام ارزی باشد که در آن منشأ ارزآوری برای اقتصاد کشور متنوع باشد و صادرات آن کشور طیف قابل‌ملاحظه‌ای از کالاها را شامل شود و در طرف تقاضا هم عوامل فراوان با کشش‌های معقول ارز تقاضا کنند. مسلماً تعامل نیروهای عرضه و تقاضا در چنین بازار ارزی به شکل‌گیری یک

یکی از چالش‌های جدی پیش رو در سال جاری، و البته آینده، به نحوه سیاست‌های ارزی دولت برمی‌گردد. هر چند به نظر می‌رسد دولت مصمم است با آزادسازی یارانه‌ها تغییر چندانی در سیاست‌های ارزی صورت ندهد و از طریق بانک مرکزی و با اتکال به درآمدهای ارزی نفت، تقاضا و عرضه ارز را در بازارهای داخلی کنترل و یا مدیریت کند، هنوز بر سر آزادسازی نرخ ارز، اتفاق نظر و اجماع کلی بین فعالان اقتصادی مصرف‌کننده ارز و صادرکنندگان و تولیدکننده ارز وجود ندارد. دکتر عباس شاکری، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبایی، در تحقیقی بر نظام‌های ارزی شناور و ثابت به تبیین نقاط قوت و ضعف پیش روی نظام ارزی ایران می‌پردازد و تأکید می‌کند: گفته می‌شود در اقتصاد ایران نرخ ارز به روش شناور مدیریت شده تعیین می‌شود، یعنی این سازوکار بازار ارز است که نرخ ارز را تعیین می‌کند و بانک مرکزی کشور هم تا حدی آن را مدیریت می‌کند و از بی‌ثباتی آن جلوگیری می‌کند. اما سیلان و رشد پایه پولی از ناحیه افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی در ۱۰ سال گذشته به طور کامل این ادعا را تأیید نمی‌کند.

دکتر شاکری تحصیلات خود را در سه دانشگاه معتبر ایران به انجام رسانده؛ کارشناسی اقتصاد را در دانشگاه علامه طباطبایی، کارشناسی ارشد را در دانشگاه تربیت مدرس و دوره دکترای خود را در دانشگاه شهید بهشتی گذرانده است و سرانجام به همان دانشگاه دوران کارشناسی خود بازگشته و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی است. از نظر این استاد دانشگاه و اقتصاددان، به دلیل اینکه بودجه دولت به درآمدهای ارزی نفت وابسته است، مداخله ارزی دولت، انگیزه در آمدی نیز دارد و ممکن است دولت بی‌توجه به مقتضیات رقابت‌پذیری یا مقتضیات تولید داخلی یا تورم، نرخ ارز را به خاطر اهداف در آمدی خود تغییر دهد. او در تحلیلی با عنوان «نظام ارزی ایران؛ دیدگاه‌ها و واقعیت‌ها» به این نتیجه می‌رسد که کشور اولاً باید از بازار ارز عمیق، کارا و رقابتی برخوردار باشد و ثانیاً انعطاف‌پذیری‌های فنی تولید بالا باشد؛ به عبارت دیگر، بازار ارز باید عمیق و کارا باشد و عرضه صادرات و تقاضای واردات نیز با



نظام ارزی می‌انجامد که در آن قیمت ارز به طور درون‌زا تعیین می‌شود و نرخ تعیین شده باثبات و پایدار است. به طور کلی نرخ‌های پایدار ارز در صورت وجود و حضور عوامل ذره‌ای فراوان در طرف عرضه و تقاضای ارز و بهره‌مندی بازار مذکور از عمق لازم امکان تحقق و تداوم دارند. نظام‌های ارزی در کل بر دو نوع‌اند: نظام ارزی شناور و نظام ارزی ثابت. البته طیفی از ترکیب‌های این وضعیت هم وجود دارد، مثل نظام شناور مدیریت شده، شناور تعدیل شده، میخکوب خزنده، میخکوب با تعدیلات جزئی و نظایر آن. بازارهای عمیق در مقابل بازارهای سطحی به بازارهایی اطلاق می‌شود که شوک‌های موردی و خاص وضعیت آنها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و شوک‌های بزرگ نیز چندان آنها را بی‌ثبات نمی‌کند.

نظام نرخ ارز شناور و ویژگی‌های آن

نظام شناور ارز به سازوکاری اطلاق می‌شود که در آن نرخ ارز توسط نیروهای عرضه و تقاضا و بدون مداخله مقامات پولی و دولت تعیین می‌شود. در این نظام ارزی تغییرات نرخ ارز تابعی است از تغییرات شرایط عرضه و تقاضای ارز. نظام ارزی شناور دارای مزایای عمده‌ای است که عبارتند از: الف. از آنجا که در این نظام ارزی نرخ ارز بدون مداخله دولت و مقامات پولی تعیین می‌شود، نقش دولت در بازار ارز منتفی می‌شود و دولت می‌تواند بی‌توجه به دغدغه کسری تراز پرداخت‌ها روی اهداف اقتصاد داخلی متمرکز شود، زیرا در نظام نرخ ارز ثابت دولت برای مناسبات تراز تجاری با تراز پرداخت‌ها از ابزار نرخ ارز استفاده می‌کند و در پی آن است که نرخ ارزی را وضع کند که موجب ارتقای صادرات و بهبود تراز پرداخت‌ها شود. این در حالی است که در ایران، بودجه دولت به درآمدهای ارزی نفت وابسته است، لذا مداخله ارزی دولت انگیزه درآمدی نیز دارد و ممکن است دولت بی‌توجه به مقتضیات رقابت‌پذیری یا مقتضیات تولید داخلی یا تورم، نرخ ارز را به خاطر اهداف درآمدی خود تغییر دهد.

ب. در نظام شناور بار تعدیل و تغییرات اقتصادی در حوزه عمل تجارت بین‌الملل روی نرخ ارز است، نه سطح قیمت‌ها، زیرا اگر رقابت‌پذیری کشور کاهش یابد، نرخ ارز در بازار افزایش می‌یابد و قدرت اقتصادی نسبی کشور را افزایش می‌دهد و اگر به خاطر افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد، صادرات کشور نسبت به واردات افزایش یابد، پول داخلی به طور خودکار تقویت می‌شود و نرخ ارز تغییر می‌کند. این در حالی است که در نظام نرخ ارز ثابت اگر رقابت‌پذیری کشور کاهش یابد، کسری تراز جاری به وجود می‌آید و این باعث می‌شود نرخ ارز تمایل به افزایش پیدا کند و بنابراین بانک‌های مرکزی برای ثابت نگه داشتن نرخ ارز مجبورند ارز به بازار عرضه کنند و در مقابل آن پول دریافت کنند که این موجب کاهش حجم پول در جریان و کاهش تورم می‌شود. همچنین اگر رقابت‌پذیری کشور افزایش یابد و پول ملی تقویت شود و ارزهای خارجی تمایل به کاهش قیمت داشته باشند، بانک‌های مرکزی در بازار، ارز خریداری می‌کنند و در ازای آن پول به جامعه تزریق می‌کنند و بنابراین از این طریق موجبات افزایش حجم پول و سطح عمومی قیمت‌ها را فراهم می‌کنند. لذا در نظام نرخ ارز ثابت بار تعدیلات روی پول و سطح عمومی قیمت‌هاست، اما در نظام نرخ ارز شناور بار تعدیلات روی نرخ ارز است.

ج. این نظام ارزی به وجود ذخایر ارزی زیاد وابسته نیست، زیرا وقتی نرخ ارز در بازار تعیین می‌شود و دولت و مقامات پولی خود را ملزم به ثابت نگه داشتن یک نرخ ارز معین نمی‌دانند، نیازی به عرضه ارز در بازار در موقع افزایش قیمت آن نیست. بنابراین ذخایر ارزی قابل‌ملاحظه برای تنظیم ارز و تثبیت یک نرخ هدف، موضوعیت ندارد. لذا در کشورهایی که کسری تجاری مستمر دارند، حفظ یک نرخ ارز کار بسیار مشکلی است و ذخایر محدود آنها اجازه چنین کاری به بانک‌های مرکزی نمی‌دهد. این در حالی است که در اقتصاد ایران وابستگی بودجه دولت به درآمد نفتی، ذخایر ارزی

بانک مرکزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دولت برای تأمین بودجه ریالی، ارز مصوب بودجه یا ارز برداشت شده از صندوق ذخیره ارزی را به بانک مرکزی ارز می‌فروشد و بانک مرکزی بخشی از آن ارزها را به واردکننده رسمی می‌فروشد و بخشی از ارزها که فروش نمی‌رود، موجب افزایش پایه پولی و حجم پول در جریان می‌شود. آمار رسمی نشان می‌دهد که طی سالیان مختلف و بخصوص طی ده ساله اخیر، همواره بخش عمده از رشد پایه پولی از ناحیه رشد خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی بوده است. د. نرخ ارز شناور شوک‌های تورمی خارجی را به داخل کشور منتقل نمی‌کند،

در حالی که در نظام‌های نرخ ارز ثابت، اگر در کشورهای طرف تجاری شوک تورمی رخ دهد و کالاهای آنها گران شود، موجب کاهش رقابت‌پذیری آنها می‌شود و این وضعیت زمینه بازرش‌تر شدن پول ملی و کاهش نرخ‌های ارز خارجی را فراهم می‌کند و بانک مرکزی برای ثابت نگه داشتن نرخ اسعار خارجی در جامعه اقدام به خرید ارز می‌کند و در مقابل پول به جامعه تزریق می‌کند که این تزریق پول موجب افزایش پایه پولی و نقدینگی و به دنبال آن، افزایش تورم خواهد شد. بنابراین شوک تورمی از مجرای سازوکار نظام نرخ ارز ثابت به

داخل کشور انتقال می‌یابد. اما در نظام نرخ ارز شناور، چون دولت و مقامات پولی هیچ تعهدی به ثابت نگه داشتن نرخ ارز ندارند، شوک پولی و تورمی خارجی به رشد نقدینگی و تورم داخلی منجر نمی‌شود. البته اینکه در مورد همه کشورها نرخ ارز در فضایی کاملاً رقابتی عمل کند و شوک‌های خارجی را به طول کامل دفع کند، جای تأمل وجود دارد.

ه. در نظام نرخ ارز شناور، سیاست پولی مستقل‌تر می‌شود و می‌توان با ابزار سیاست پولی اهداف داخلی (حداقل کوتاه‌مدت) را دنبال کرد، زیرا در نظام نرخ ارز ثابت وقتی سیاست پولی انبساطی اعمال می‌شود، موجب افزایش تورم و کاهش نرخ بهره می‌شود و به دنبال آن صادرات محدودتر می‌شود و واردات تشویق می‌شود که اگر حساب سرمایه هم فعال باشد و نقل‌وانتقال سرمایه آسان باشد، خروج سرمایه از کشور آغاز می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی فشار بر بازار ارز و تمایل نرخ ارز به افزایش خواهد بود. دولت‌ها و بانک‌های مرکزی برای جلوگیری از افزایش نرخ ارز، ارز خارجی عرضه می‌کنند و پول جمع‌آوری می‌کنند که این خود سیاست پولی اولیه آنها را خنثی می‌کند. از طرف دیگر، در نظام نرخ ارز ثابت، نرخ ارز برون‌زاست، اما اندازه ذخایر ارز خارجی و پایه پولی و بنابراین پول درون‌زا می‌شود، در

نظام شناور ارز به سازوکاری اطلاق می‌شود که در آن نرخ ارز توسط نیروهای عرضه و تقاضا و بدون مداخله مقامات پولی و دولت تعیین می‌شود. در این نظام ارزی تغییرات نرخ ارز تابعی است از تغییرات شرایط عرضه و تقاضای ارز



آیا اقتصاد ایران نظام ارزی واقعی دارد؟

گفته می‌شود در اقتصاد ایران نرخ ارز به روش شناور مدیریت شده تعیین می‌شود، یعنی این سازوکار بازار ارز است که نرخ ارز را تعیین می‌کند و بانک مرکزی کشور هم تا حدی آن را مدیریت می‌کند و از بی‌ثباتی آن جلوگیری می‌کند. اما سیلان و رشد پایه پولی از ناحیه افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی در ۱۰ سال گذشته به طور کامل این ادعا را تأیید نمی‌کند. آمار رسمی نشان می‌دهد تغییرات نرخ ارز بیشتر از یک الگوی تثبیتی تبعیت کرده است تا از یک نظام شناور مدیریت شده. البته به طور کلی در مورد اینکه ما در اقتصاد ایران دارای نظام ارزی هستیم، یا نه بحث‌های زیادی وجود دارد. نکته بسیار مهمی که در اینجا وجود دارد این است که کشور اولاً باید از بازار ارز عمیق، کارا و رقابتی برخوردار باشد و ثانیاً انعطاف‌پذیری‌های فنی تولید بالا باشد. به عبارت دیگر، بازار ارز باید عمیق و کارا باشد و عرضه صادرات و تقاضای واردات نیز با کشش باشند. به نظر می‌رسد در اقتصاد ایران بازار ارز عمیق نیست. نظام ارزی به معنی بازار عمیق و رقابتی ارز است که در آن در هر دو طرف عرضه و تقاضا عوامل ذرهای و جزء فعالیت دارند، یعنی با تنوع و گسترش صادرات غیرنفتی، چندین منشأ ارزآوری در اقتصاد وجود دارد که شوک‌های موردی نمی‌تواند همه آنها را محدود کند و معمولاً رکود چند کالای صادراتی احتمالاً با رونق یا حداقل عدم رکود چند کالای صادراتی دیگر همراه است. به طور کلی برای اینکه عوامل عرضه‌کننده ارز از طریق صادرات در اقتصاد کشور ماهیت ذرهای پیدا کنند، باید تعداد آنها و تنوع کالای صادراتی آنها به گونه‌ای باشد که امکان تبانی، هماهنگی و احتمال همبستگی‌های چرخه‌ای (رکود با هم و رونق با هم) برای آنها امکان‌پذیر نباشد. لازمه این کار نهادینه کردن استانداردهای کیفی و ارتقای کیفیت و بهره‌وری است، به طوری که بتوان در چندین کالای پرتقاضا و دارای بازار بین‌المللی گسترده، رقابت‌پذیر شد و صادرات غیرنفتی را شتاب بخشید. اما در شرایط فعلی که سهم عمده درآمد ارزی ما از ناحیه فروش نفت است، نمی‌توان بازار ارز عمیق و رقابتی داشت.

وقتی وفور ارزهای نفتی است مشکلی نیست، اما وقتی قیمت نفت کاهش یابد، به طور حتم احاله قیمت ارز به بازار به وضعیت باثباتی منجر نمی‌شود و اساساً ارز در شرایط کمبود و کسری در اقتصاد ما وارد مدارهای سفته‌بازی و سوداگرانه می‌شود. در مواقع کمبود ارز در اقتصاد کشور، نرخ ارز تمایل به افزایش شدید دارد و این خود موجب افزایش انتظارات تورمی و بی‌ثباتی اقتصاد می‌شود. علاوه بر این، بسیاری از تولیدات داخلی کشور وابستگی ارزی دارند و وقتی نرخ ارز بی‌ثبات باشد، هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد و چه بسا رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی را هم کاهش دهد. به بیان دیگر، ارتباط مثبتی بین تغییرات نرخ ارز با تغییرات نرخ تورم وجود دارد. تجربه کشور نشان داده که به همراه افزایش نرخ ارز شاهد افزایش نرخ تورم بوده‌ایم. دلیل این امر آن است که بازار ارز ما عمیق نیست و طرف عرضه ارز عمدتاً از طریق صادرات نفت تأمین می‌شود و شوک‌های وارد بر بازار نفت بشدت بازار ارز را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نکته دیگری که باید آن توجه شود این است که تثبیت نرخ ارز در زمان‌های تورمی موجب می‌شود تا صادرکننده قیمت‌پذیر متضرر شود، لذا تعدیل نرخ متناسب با تورم ضرر صادرکننده را جبران می‌کند. اما شرایط صادرات غیرنفتی ما در سال‌های گذشته حکایت از این دارد که نرخ‌های ارز در کشور ما نمی‌تواند در عکس‌العمل به شرایط عدم تعادل، بخصوص کسری‌های تجاری، باعث شتاب صادرات و تعدیل آن به سمت رفع کسری‌ها شود. در طرف تقاضا نیز باید عوامل ذرهای حضور داشته باشند و کشش‌های تقاضای واردات منطقی و قابل ملاحظه باشند. انعطاف‌پذیری‌های تولید در حوزه صادرات و کشش‌پذیری تقاضای واردات هم طوری نیست که بتوان بار تعدیلات تعادل‌سازی برای تراز تجاری را تنها به دوش تعدیل عکس‌العمل و هوشمندانه نرخ ارز گذاشت. نیازهای

حالی که پایه پولی و پول در نظام نرخ ارز شناور، برون‌زا و قابل کنترل است و تأثیرگذاری سیاست پولی مطمئن‌تر و مؤثرتر خواهد بود. در نظام نرخ ارز شناور مقدار کسری یا مازاد تجاری که انحراف از وضعیت تعادلی را نشان می‌دهد، نسبت به نظام نرخ ارز ثابت کمتر است، ضمن اینکه زمان تعدیل نیز کوتاه‌تر است؛ با فرض اینکه نظام‌های ارزی کشورها عمیق و رقابتی باشند، در عکس‌العمل به شرایط مازاد و کسری، نرخ ارز به طور نسبتاً سریع عکس‌العمل نشان می‌دهد و به عنوان تثبیت‌کننده خودکار، مازاد یا کسری تجاری را مرتفع می‌کند. اما در نظام نرخ ارز ثابت چون چنین سازوکار خودکاری وجود ندارد و نرخ ارز در مقدار معین خود ثابت است، مقامات اقتصادی با مشاهده کسری‌ها یا مازادهای قابل ملاحظه تصمیم می‌گیرند نرخ ارز را برای کاهش عدم تعادل تراز تجاری تغییر دهند و چون این تخصیص و اقدام و تأثیرگذاری بعد از آن با وقفه‌های قابل ملاحظه همراه است، عدم تعادل‌ها در نظام نرخ ارز ثابت، طولانی‌تر و عمیق‌تر خواهد بود.

ز. برخلاف نظام نرخ ارز ثابت و نظام استاندارد طلا، در نظام نرخ ارز شناور برای هر دو کشور دارای مازاد و کسری

فشار یکسانی بر نرخ‌های ارز آنها وارد می‌شود. یعنی کشوری که مازاد دارد، نرخ ارز در آن تمایل به کاهش دارد و کشوری که در مقابل معادل آن کسری دارد، نرخ ارزش به همین اندازه تمایل به افزایش دارد و لذا نرخ ارز هر دو کشور بار تعدیل و حرکت به سمت تعادل را از طریق تغییر نرخ ارز به دوش می‌کشد.

ح. در نظام نرخ ارز شناور کاهش یا افزایش نرخ ارز به صورت تدریجی و محدود انجام می‌شود، یعنی نرخ ارز در مواجهه با هر گونه عدم تعادل در تراز تجاری (یا تراز پرداخت‌ها) عکس‌العمل نشان می‌دهد و عدم تعادل به وجود آمده را با تغییر خود مرتفع می‌کند. لذا چون اقتصاد زود به تعادل می‌رسد و عدم تعادل انباشت نمی‌شود، تغییرات نرخ ارز تدریجی و محدود است. اما در نظام نرخ ارز ثابت چون نرخ ارز نمی‌تواند نسبت به عدم تعادل‌های به وجود آمده در حساب‌های خارجی عکس‌العمل نشان دهد، مازادها یا کسری‌ها انباشت می‌شود و وقتی شدت پیدا کرد، مقامات پولی و دولت مجبور می‌شوند نرخ ارز را طوری تغییر دهند که عدم تعادل‌های ایجاد شده را از بین ببرند و لذا مقدار تغییر نرخ ارز قابل ملاحظه و بالاست.

در شرایط کنونی مقتضیات صادرات غیرنفتی با افزایش نرخ ارز سازگار است، اما مازاد ارزی در حساب‌های بانک مرکزی و بانک‌ها مقتضی کاهش نرخ ارز است و با روند فعلی اقتصاد نمی‌توان به ایجاد و شکل‌گیری یک نظام ارزی باثبات در اقتصاد ایران امیدوار بود

نهادهای، قطعات و مواد اولیه و ماشین‌آلات به عنوان نیازهای ضروری تولید کشور قابل ملاحظه و بالاست که معمولاً کشش تقاضای آنها در کشور پایین است و هنگام کاهش درآمدهای ارزی نمی‌توان از تعداد تقاضای آنها کاست، زیرا تولید داخلی و حتی صادرات (که ارزبر است) با مشکل مواجه می‌شود. بنابراین نمی‌توان گفت در ایران نظام ارزی مطلوبی وجود دارد. حتی برخی معتقدند در ایران ما نظام ارزی نداریم که به موقع نسبت به مقتضیات صادرات عکس‌العمل نشان دهد و به موقع به عوامل اقتصادی علامت بدهد. بازار ارز ایران به خاطر انحصاری بودن طرف عرضه آن بسیار سطحی و کم عمق است و لذا ثبات ارزی در چنین بازاری به آسانی تحقق نمی‌یابد. بنابراین سهم اندکی از ارزآوری اقتصاد صادرات کشور مربوط به صادرات غیرنفتی است و در حقیقت بخش عمده درآمدهای ارزی کشور از ناحیه صادرات نفت و گاز و یا فرآورده‌های آنهاست که این درآمدهای ارزی کشور را بشدت در معرض ریسک قرار می‌دهد و بنابراین برقراری نظام نرخ ارز شناور در چنین شرایطی تأمل‌برانگیز است. در چنین بازاری نرخ ارز، خوب علامت نمی‌دهد و خوب نسبت به عدم تعادل‌های حساب‌های خارجی عکس‌العمل نشان نمی‌دهد. لذا باید به سمت ایجاد نظام ارزی و بازار رقابتی و عمیق حرکت کرد و انعطاف‌پذیری‌های تولید را بالا برد و از وابستگی‌های وارداتی و کم کشش بودن آن کاست تا بتوان با ایجاد نظام ارزی مناسب، تعیین نرخ ارز را به آن سپرد.

موانع و چالش‌ها

برخی صاحب‌نظران معتقدند اگر نظام ارزی کشور شناور باشد، نرخ ارز متناسب با مقتضیات تراز تجاری و رقابت‌پذیری اقتصاد در مواجهه با اقتصاد بین‌الملل تغییر می‌کند و این امر می‌تواند به صادرات کشور کمک کند. از طرفی مداخلات ارزی توسط دولت و مقامات پولی چه بسا با کارایی تخصیصی سازگار نباشد و تثبیت نرخ ارز بر اساس یک نرخ معین چه بسا بر اساس ملاحظات غیراقتصادی و غیرفنی انجام شود. مانع اصلی تحقق این امر و استقرار نظام ارزی شناور، نبود نظام ارزی و بازار عمیق و رقابتی است. بنابراین باید زمینه‌های فراهم کرد تا نهاد بازار در حوزه ارزهای خارجی شکل گیرد، عمق پیدا کند و از ویژگی ثبات برخوردار شود تا بتوان تعیین نرخ ارز را به آن سپرد. در شرایط کنونی اگر در وضعیت وفور ارزی باشیم، شناور کردن نرخ ارز چه بسا قیمت آن را کاهش دهد و صادرات غیرنفتی را که هزینه‌های تولید آن متناسب با تورم رشد کرده اما دریافت ریالی صادرکنندگان به خاطر ثابت بودن نرخ ارز یا کاهش آن در مورد آزادسازی (در شرایط وفور) افزایش نیافته، بشدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. از همه مهم‌تر اینکه این امر شاید درآمدهای دولت را از ناحیه درآمد ارزی (که حاصل ضرب مقدار ارز و نرخ ارز بودجه به دست می‌آید) محدود کند. در مواقع کمبود ارز هم آزادسازی نرخ ارز موجب بی‌ثباتی آن می‌شود و فعال شدن عوامل تأثیرگذار روانی و غیراقتصادی در کنار عوامل اقتصادی، انتظارات تورمی را شعله‌ور می‌کند، نهادهای تولید را گران می‌کند و اقتصاد را بی‌ثبات می‌کند. ناسازگاری بخش‌های کلان اقتصادی و عدم توازن موجود میان آنها نیز مانع شناورسازی نرخ ارز است. در شرایط کنونی همان‌طور که متذکر شدیم، مقتضیات صادرات غیرنفتی با افزایش نرخ ارز سازگار است اما مازاد ارزی در حساب‌های بانک مرکزی و بانک‌ها مقتضی کاهش نرخ ارز است. البته همان‌طور که قبلاً هم گفتیم، وضعیت صادرات غیرنفتی ما به لحاظ منحنی رقابت‌پذیری، کیفیت و نوع باید ارتقاء پیدا کند و تنها پس از آن، افزایش نرخ ارز می‌تواند موجب تسریع و ارتقای صادرات مذکور شود.

سند چشم‌انداز و ایجاد نظام ارزی

ما در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور روی رقابت‌پذیری، ارتقای تکنولوژی و رفتن به سمت تولیدات دانش‌محور تأکید کرده‌ایم. اگر در این زمینه بتوانیم اهداف تأکید شده در این سند را محقق کنیم، صادرات غیرنفتی ما متنوع و گسترده‌تر شده و شتاب خواهد گرفت و اگر وابستگی دولت به نفت هم کاهش یابد، با داشتن چندین منشأ ارزآوری عمده و انعطاف‌پذیری و رقابت‌پذیری تولید صادراتی، زمینه را برای ایجاد یک نظام ارزی و یک بازار عمیق و رقابتی ارز فراهم کرده‌ایم، اما در حال حاضر صادرات غیرنفتی از رشد متناظر با الزامات سند چشم‌انداز برخوردار نیست، از تولید دانش‌محور

هنوز خبری نیست و نیازها و وابستگی دولت به ارز نفتی نیز روزبه‌روز در حال افزایش است. بنابراین با این عملکرد نمی‌توان به ایجاد و شکل‌گیری یک نظام ارزی باثبات در اقتصاد ایران امیدوار بود.

مسئله علامت‌دهی قیمت‌ها در بازارهای عمیق و رقابتی برای اقتصاد یک امتیاز محسوب می‌شود. اگر بتوانیم یک نظام ارزی باثبات ایجاد کنیم که در آن قیمت ارز در عمق بازار ارز تعیین شود، حتماً صادرات را ارتقاء داده‌ایم، تنوع آن را زیاد کرده‌ایم و رقابت‌پذیری اقتصاد در سطح بین‌الملل را تأمین کرده‌ایم. در آن صورت با شناور کردن نرخ ارز، نرخ مذکور حالت تثبیت‌کننده و تصحیح‌کننده خودکار به خود می‌گیرد و به موقع در مقابل اختلال‌ها و عدم تعادل‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهد و به عنوان علامت دهنده کارا به تخصیص صحیح منابع کمک می‌کند. اگر موفق شویم نظام ارزی عمیق و باثبات ایجاد کنیم، می‌توانیم از مزایای نظام ارز شناور هم استفاده کنیم. مسلماً در چنین وضعیتی نرخ ارز در عکس‌العمل به شرایط صادرات عکس‌العمل نشان می‌دهد و همچنین به صادرات علامت صحیح می‌دهد. بنابراین شناورسازی ارز در سند چشم‌انداز منوط و مشروط به ایجاد نظام ارزی مناسب و ایجاد نظام ارزی مناسب، خود به شرایط فنی، اجتماعی، نهادی و اقتصادی یاد شده بستگی دارد. با روند فعلی به نظر می‌رسد چنین مهمی به تحقق و عینیت یافتن نزدیک نباشد.

تأمین رقابت‌پذیری بین‌المللی در اقتصاد کشور با علامت‌دهی نرخ ارز

باید توجه داشت که رها کردن قیمت در هر شرایطی به نظام قیمتی علامت دهنده کارا منجر نمی‌شود. علامت‌دهی قیمت مشروط و منوط است به فراهم بودن شرایط فنی و اقتصادی تولید و وجود تعامل صحیح و منطقی میان قیمت و شرایط حقیقی تولید. در مورد نرخ ارز وضعیت همین‌طور است، یعنی باید شرایط فنی تولید صادراتی را بهبود بخشید، کالاهای صادراتی را متنوع کرد، کیفیت آن را ارتقاء داد و با ایجاد نظام ارزی، زمینه تعامل منطقی میان علامت‌دهی نرخ ارز و رقابت‌پذیری اقتصاد کشور یا تعامل میان علامت‌دهی نرخ ارز و رشد و شتاب صادرات غیرنفتی را فراهم کرد. وضعیتی که در آن نرخ ارز و کیفیت و کمیت صادرات با هم تعامل می‌کنند، وضعیت مطلوب است و اثر و نشان تحقق شرایط مادی، فنی، نهادی و اقتصادی تولید و صادرات در اقتصاد است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظام‌های ارزی در کل بر دو نوع‌اند: نظام ارزی شناور و نظام ارزی ثابت. البته طیفی از ترکیب‌ها نیز وجود دارد، مثل نظام شناور مدیریت شده و شناور تعدیل شده که این دو نظام ارزی در میان اقتصاددانان ایران هم طرفداران خود را دارد. طرفداران نظام ارزی شناور معتقدند اگر ارز متناسب با مقتضیات تراز تجاری و رقابت‌پذیری اقتصاد در مواجهه با اقتصاد بین‌الملل تغییر کند، تأثیر بسیار مثبتی بر صادرات کشور خواهد داشت. منتقدان نظام ارز شناور بر این باورند که نظام ارزی ما نمی‌تواند به موقع نسبت به مقتضیات صادرات عکس‌العمل نشان دهد و به موقع به عوامل اقتصادی علامت بدهد. در این شرایط احاله تعیین نرخ ارز به سازوکار بازار چه بسا به نرخ‌های ارز نوسانی و بی‌ثبات منجر شود. بنابراین برقراری نظام ارز شناور در چنین شرایطی تأمل‌برانگیز است. تغییرات نرخ ارز در ایران نشان می‌دهد که نرخ ارز در ایران به روش شناور مدیریت شده تعیین نشده است، یعنی این سازوکار بازار ارز نبوده که نرخ ارز را تعیین کرده باشد و بانک مرکزی هم آن را تا حدی مدیریت کرده باشد و از بی‌ثباتی آن جلوگیری کند، بلکه تغییرات نرخ ارز در ایران بیشتر از یک الگوی تشبیتی تبعیت کرده است. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد ارتباط مثبتی بین تغییرات نرخ ارز با تغییرات تورم در ایران وجود دارد؛ در شرایط کنونی مقتضیات صادرات غیرنفتی با افزایش نرخ ارز سازگار است، اما مازاد ارزی در حساب‌های بانک مرکزی و بانک‌ها مقتضی کاهش نرخ ارز است؛ و سرانجام اینکه با روند فعلی اقتصاد نمی‌توان به ایجاد و شکل‌گیری یک نظام ارزی باثبات در اقتصاد ایران امیدوار بود. ■